

فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH20RQ49345

ISSN-P: 2676-6442

راهکارهای مبارزه با فقر اقتصادی بر اساس کلام و سیره عملی حضرت علی (ع) جهت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۱۲)

محمد یاسین فلاح

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور استان لرستان (مرکز خرم آباد)

پژوهشگر برگزیده و دارنده تندیس پژوهشگر برتر از هشتمین جشنواره پژوهشگران برتر بنیاد علمی قانون یار در سال ۱۴۰۳

چکیده

تحقیقات متعددی در خصوص رابطه بین رشد اقتصادی و فقر انجام شده است که طی آن اقتصاددانان به دنبال پاسخ به این سوال بوده اند که: آیا رشد اقتصادی شامل فقر می شود یا اینکه اثر اصلی رشد به وسیله ثروتمندان جذب شده و به مقدار کمتری افراد کم درآمد را منتفع می کند؟ در این تحقیق سعی شده است تاثیر رشد اقتصادی بر کاهش فقر با توجه به کشش فقر نسبت به رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان می دهد که طی سال های مورد مطالعه تغییرات رشد اقتصادی در ایران اثر چندانی بر شاخص فقر و کشش فقر نداشته است و همچنین شاخص فقر از لحاظ کششی مقدار ثابتی نبوده است و علاوه بر رشد اقتصادی به عوامل دیگری مانند نابرابری اولیه بستگی دارد، به طوریکه طبق محاسبات انجام شده ضریب رشد تولید ناخالص داخلی هر چند معنی دار است اما اثر ناچیزی بر شاخص سرشمار فقر دارد، در صورتی که سایر متغیرها ثابت بمانند، با افزایش یک درصدی رشد تولید ناخالص داخلی، شاخص سرشمار فقر حدود ۰.۰۰۶ درصد تغییر می کند که بسیار ناچیز است. در صورتی که کشش شاخص فقر نسبت به متغیر رشد اقتصادی برآورد شود، به دلیل ناچیز بودن ضریب متغیر مذکور، ضریب کشش به دست آمده ناچیز است به طوری که این ضریب برای سال ۱۳۷۲ معادل (-۰.۰۴) برآورد شد که انتظار می رود در دیگر سال ها نیز

وضعیت مشابهی حاکم باشد. در نتیجه با تغییر روند رشد اقتصادی، شاخص سرشمار فقر در کشور چندان تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین متغیر مربوط به نابرابری اثری قابل ملاحظه بر تشدید شاخص فقر دارد. به طوری که با ثبات سایر متغیرها در صورتیکه ضریب مربوطه یک درصد افزایش یابد، شاخص سرشمار فقر ۳.۵۴ درصد افزایش می‌یابد که در سطح وسیعی متغیر وابسته را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: فقیر، اقتصاد، ثروت، کشور، امام علی، اسلام، الگوی اسلامی ایرانی

مقدمه

علی‌رغم این که تا کنون دولت‌ها برای کاهش فقر برنامه‌های متعددی طراحی و اجرا کرده‌اند، هنوز در بسیاری از جوامع فقر مهم‌ترین معضل اقتصادی است که مردم و مسئولین از آن رنج می‌برند. به نظر می‌رسد علت این که این برنامه‌ها موفقیت قابل توجهی کسب نکردند و بعضاً با شکست مواجه شدند، عدم جامعیت آن‌ها و در نظر نگرفتن تمام جوانب فقر است. برای این که بتوانیم برنامه‌ای جامع برای مقابله با فقر تنظیم کنیم لازم است شناختمان را نسبت به پدیده فقر بالا برده و با ابعاد مختلف آن آشنا شویم. در این فصل ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی فقر از دیدگاه مکاتب گوناگون اقتصادی و اسلام پرداخته و پس از آن انواع فقر را از نگاه طرفین مطرح می‌کنیم. در آخر هم روایات متناقض اهل بیت (ع) پیرامون جایگاه فقر در اسلام را بیان کرده و به رفع تناقض می‌پردازیم. فقر از لحاظ لغوی و اصطلاحی تعاریف گوناگونی دارد که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم «فقر» در کتب معجم و لغت به معانی زیر به کار رفته است الف: شکسته شدن مهره‌های پشت بدن. برخی اهل لغت بر این عقیده‌اند که: فقر در لغت به معنای حفر کردن و سوراخ کردن است، همان‌طور که گفته می‌شود، زمین را برای کاشت نهال

حفر کردم یا مهره را سوراخ کردم (محب الدین، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۳۵۷) یا این که گفته می‌شود: کلمه «فقر» به معنای شکافی است که در عضو و غیر آن بوده باشد؛ و «فقیر» یعنی کسی که مهره پشتش شکسته است. و انسان فقیر را از این حیث «فقیر» گویند که گویا مهره پشتش به خاطر ذلت و خواری از ناحیه‌ی «فقر» شکسته است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۴۳؛ مصطفوی، ۱۴۰۲ ق، ج ۹، ص ۱۱۸) ب: نیاز و حاجت. اکثر اهل لغت فقر را به معنی نیاز و حاجت آورده‌اند. (سعدی، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۸۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۱۵۰؛ محمود عبدالرحمان، بی تا، ج ۳، ص ۴۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۴۰۰؛ طریحی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۴۴۱) ج: نداشتن به اندازه کفایت. همچنین برخی بر این نظرند که: «فقیر» در برابر غنی است و غنی به کسی گفته می‌شود که به اندازه کفایت و رفع حاجت خود و خانواده، در اختیار داشته باشد؛ لذا فقیر کسی است که دارائی‌اش به این اندازه نیست. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۵، ص ۶۰؛ محب الدین، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۳۵۴) در کتاب «مفردات الفاظ قرآن»، راغب اصفهانی فقر را به چهار صورت معنا کرده است: نیازمندی‌های مادی و زیستی موجودات زنده، عدم برخورداری از وسایل و امکانات اولیه و اساسی زندگی، آزمندی و بسنده نکردن به امکانات موجود و بالاخره به معنی احساس همیشگی نیاز به خدا آورده و بدیهی است که از چهار مورد یاد شده، نخستین آن‌ها ضروری و فطری است، دومی امری منطبق با واقعیت است، سومی صفتی است ناپسند و نکوهیده و چهارمی صفتی است پسندیده و ضروری برای هر فرد موحد و مؤمن. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۴۱) در فرهنگ لاروس فرانسه ذیل واژه فقیر، فقیر را به مفهوم فردی که منابع، اموال و پول کمی در اختیار دارد و یا تولید ناکافی داشته باشد، تعریف کرده است و فقر را وضعیت فردی که فقیر است، ذکر کرده است. و در بسیاری از فرهنگ‌ها نیز فقر به معنای عدم تکافوی ضروریات زندگی تعریف شده است. (شیخاوندی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۸) سال‌هاست که محافل

اقتصادی به تعیین استاندارد برای فقر که قابل قبول همه‌ی افراد باشد، دست نیافته‌اند و آن را مقوله کیفی قلمداد کرده‌اند و تعریف آن را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر متفاوت می‌دانند. زیرا، خصوصیات اجتماعی اقتصادی متفاوت در نقاط مختلف جهان طبعاً تعاریف متفاوتی را به همراه خواهد داشت. (تربیت مدرس، ۱۳۸۰) با وجود این، نگاهی اجمالی به تعاریف افراد و گروه‌های گوناگون از این پدیده، خالی از لطف نیست و جنبه‌های گوناگونی که تاکنون در مورد مفهوم فقر مورد بررسی قرار گرفته است را نشان می‌دهد. فقر اقتصادی در جوامع انسانی، مترادف با ناتوانی در برآورده نمودن نیازهای اساسی زندگی است و مصداق آن وضعیت افراد و خانوارهایی است که از توان و امکان کافی برای تأمین حداقل نیازهای زندگی خود شامل غذا، پوشاک، سلامتی و مسکن برخوردار نباشند. محرومیت از دیگر ضروریات اولیه و متعارف زندگی نظیر آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و ... نیز از مواردی به شمار می‌رود که نبود آن‌ها از عوامل ایجاد کننده فقر محسوب می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹). سیستم سرمایه داری فقر را ناشی از کمبود منابع طبیعی و ناتوانی طبیعت از برآورده ساختن نیازهای بشر می‌داند. اقتصاددانان کلاسیک در برابر فقر واکنش‌های متفاوتی داشته‌اند. عده‌ای خواستار تقویت فقر بوده‌اند همچون اسمیت، که، می‌گوید: جامعه‌ای که بخش اعظم آن را فقرا تشکیل می‌دهند هیچ گاه به شکوفایی و خوشبختی نخواهد رسید. (آربلاستر، ۱۹۸۸) در مقابل مالتوس و ریکاردو، به شدت به تضعیف طبقه فقیر حکم کرده، هرگونه حمایت از این طبقه را مردود می‌دانند. مالتوس می‌گوید: کسانی که از قبل دنیا را در اختیار دارند از حق استفاده از این مواهب برخوردارند و اگر به قدری گمراه باشند که بر تهیدستان گرسنه رحم آورند، به زودی جزای خطای خود را خواهند دید. (آربلاستر، ۱۹۸۸) ریکاردو نیز، از ارسال کمک جهت احداث مدرسه‌ی کودکان در «وست مینستر بروگام» امتناع کرد؛ زیرا قرار بود به کودکان این مدرسه یک وعده غذا داده شود. به نظر او این کار

افزایش جمعیت را تشویق می‌کرد. (آربلاستر، ۱۹۸۸) با گذشت زمان و طرح انتقادات فراوان به این نظام، حکومت‌هایی که اقتصادشان بر اساس نظام سرمایه‌داری بود برای جلوگیری از فروپاشی خود و حفظ منافع مشترک دولت و طبقه‌ی سرمایه‌دار، با وضع قوانین و مقرراتی به نفع طبقه کارگر و در حمایت از مستمندان، به تحولاتی در نظام سرمایه‌داری تن دادند؛ مسأله‌ی تأمین اجتماعی بخشی از این تحولات است که با نظارت بر قوانین کار و مقابله با بیکاری توانست تا حدودی از وضعیت اسفبار مستمندان جلوگیری کند. مارکسیست‌ها فقر را ناشی از مالکیت خصوصی و دخالت نکردن دولت با یک برنامه‌ریزی متمرکز، می‌داند. مارکس درباره‌ی پدیده‌ی فقر در زمان خود می‌گوید: اگر مالکیت خصوصی حتی به صورت محدود وجود داشته باشد، این مسأله ناگزیر به فقر می‌انجامد. (تفضلی، ۱۳۸۸) او در رد نظریه‌ی پرودن، که می‌گفت برای بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌داری باید توسعه‌ی مالکیت صنایع محدود شود و برای بهبود وضع اقتصادی کارگران باید قوانین کار اصلاح گردد، می‌گوید: برای از بین بردن فقر باید نظام سرمایه‌داری را از بین برد نه این که برای اصلاح آن به خواب و خیال متوسل شد. (تفضلی، ۱۳۸۸) مارکس همچنین، در این باره که چگونه نظام سرمایه‌داری به فقر می‌انجامد، می‌گوید: «از آنجا که جامعه‌ی سرمایه‌داری بر انگیزه‌ی سود استوار است و سرمایه‌داران مالک ابزار تولید هستند، در وضعی قرار می‌گیرند که می‌توانند کارگران را استثمار کنند.» (تفضلی، ۱۳۸۸) نظریات دیگری نیز پیرامون فقر ارائه شده که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم: تانسن در مطالعاتش فقر را این چنین تعریف کرده است «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند». منچر معتقد است که فقر، ناهمسازی درآمد فرد با اهداف ملی جامعه است. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹) میلر معتقد است که فقر، ناظر بر شرایط درآمدی ۲۰

درصد پایین گروه‌های درآمدی جامعه است. (همان، ۱۳۷۹) هورتون معتقد است که فقر شرایطی است که در آن اشخاص آن قدر پول ندارند تا به حداقل استاندارد سلامت و بقا - به نحوی که در جامعه و توسط اکثریت مردم عادی تلقی می‌شود - دست یابند. (همان، ۱۳۷۹)

پروفسور سن در سال ۱۹۹۵ برای اولین بار مفهوم قابلیت را در تعریف فقر به کار برد. مقاله معروف سن تحت عنوان «کالاها و قابلیت‌ها» که بعدها به صورت کتاب نیز منتشر شد (سن، ۱۹۸۵)، نقطه آغازین مباحث مربوط به این رویکرد محسوب می‌شود. سن، قابلیت را به معنی آنچه مردم واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند تعبیر می‌کند. بنابراین «چه بودن» یا «چه کردن» انسان‌ها اهمیت محوری ندارد؛ آنچه مهم است توانایی بالقوه افراد است برای انتخابی متفاوت از آنچه هستند و آنچه انجام می‌دهند. او قابلیت را توانایی دستیابی نوع خاصی از «کارکرد» تعریف می‌کند؛ به طور مثال، سواد، قابلیت است؛ درحالی که خواندن «کارکرد» است. مردم قابلیت‌ها و کارکردهای مجاز را به سبب خودشان می‌نگرند. (آیتی، ۱۳۸۱) در این معنا، ملاک تشخیص فقر و محرومیت، دستیابی یا ناتوانی در دستیابی به کارکردهایی در زندگی است که برای افراد مطلوب و ارزشمند است. از جمله این کارکردها تغذیه کافی، برخورداری از خدمات بهداشتی، دسترسی به آموزش و پرورش، مشارکت در تصمیمات گروهی و... است. مجموع این کارکردها قابلیت افراد را تشکیل می‌دهند هدف رویکرد قابلیتی به فقر، انکار درآمد پایین به عنوان یکی از عوامل دخیل در فقر نیست، بلکه این رویکرد بدین موضوع می‌پردازد که صرف برخورداری از درآمد کافی و متعارف برای تأمین مایحتاج زندگی، نمی‌تواند تعیین کننده عدم محرومیت افراد تلقی شود، بلکه توانایی یا عدم توانایی تبدیل این درآمد به قابلیت است که می‌تواند محرومیت یا عدم محرومیت افراد را مشخص سازد زیاری نیز در مقاله‌اش با توجه به مفهوم استطاعت و تقابل آن با فقر، آورده است: تعریف فقر، عبارت است از ناتوانی انسان در تأمین میزان کافی نیازمندی‌های اساسی‌اش تا رسیدن به مرحله

استطاعت همه جانبه، در کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده، برای دستیابی به یک زندگی آبرومند و شایسته به عنوان شرط لازم و کافی در سیر تکامل او. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵) بانک توسعه آسیا نیز اعلام کرده است که فقر، عبارت است از محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی که هر فرد مستحق آن‌ها است. (تربیت مدرس، ۱۳۸۰) از دیدگاه بانک جهانی فقر عبارت است از کمبود درآمد کافی و فقیر به کسی گفته می‌شود که درآمد او از منابع مختلف برای تأمین تمام یا برخی از نیازهای ضروری شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش کفایت نکند. بر اساس معیار فقر درآمدی، از ۶ میلیارد جمعیت جهان، ۲/۸ میلیارد نفر با درآمد کمتر از ۲ دلار و ۱/۲ میلیارد نفر با درآمد روزانه کمتر از ۱/۲ دلار زندگی می‌کنند. (بانک جهانی، ۱۳۸۱) سازمان بین‌المللی کار (ILO) ^۱ در سال ۱۹۷۸، نیازهای اساسی را در چهار مقوله بیان کرد: ۱. حداقل نیازهای مصرفی خانوارها یعنی خوراک، پوشاک و مسکن. ۲. برخورداری از خدمات اساسی مانند آب آشامیدنی سالم، بهداشت، حمل و نقل، سلامت، آموزش و پرورش. ۳. دسترسی به شغلی با مزایای مکفی برای هر فردی که توانایی و تمایل به کار کردن دارد. ۴. تأمین نیازهایی که بیشتر ماهیت کیفی دارند مانند برقراری محیط سالم، انسانی و دل‌پذیر، مشارکت عموم مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی و آزادی‌های فردی آنان اثر می‌گذارد. (هانت، ۱۳۸۶) در میان نیازهای یادشده، تأمین حداقل نیازهای مصرفی (خوراک، پوشاک و مسکن)، ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان به حساب می‌آیند. بنابراین فقیر کسی است که از تأمین و مصرف اولین و اساسی‌ترین نیاز خویش عاجز باشد و با گرسنگی، برهنگی و بی‌خانمانی دست و پنجه نرم کند. هنگامی که انسان از تأمین این نیازها عاجز باشد سخن از نیاز به آزادی فردی، مشارکت در تصمیمات سیاسی اجتماعی، زمینه مناسبی نمی‌یابد. از سوی دیگر، حداقل نیازهای مردم، در مکان‌ها و

زمان‌های مختلف، متفاوت است. بسیاری از کالاهایی که در کشورهای توسعه یافته نیاز اولیه شمرده می‌شود، در برخی از کشورها لوکس تلقی می‌گردد. چنان‌که ممکن است کالایی در یک زمان تجملی به شمار رود؛ ولی در زمانی دیگر ضروری شمرده شود؛ و به طور طبیعی بحث از اولین نوع محرومیت که شدیدترین نوع فقر محسوب می‌شود، باید محور توجه قرار گیرد. فقر مطلق زمانی رخ می‌دهد که خانوارها از تأمین حداقل نیازهای ضروری برای ادامه حیات بازمانده، در تداوم زندگی دچار مشکل می‌شوند. آنان از تأمین نیازهای اساسی از قبیل خوراک، پوشاک و سرپناه ناتوان هستند و در حقیقت «درمانده» بوده، راه به جایی ندارند به گونه‌ای که فقر در وضع ظاهری آنان منعکس می‌شود. همان‌طور که ملاحظه شد، پراکندگی بسیاری در تعریف فقر وجود دارد. شاید دلیل پراکندگی در تعریف، علاوه بر آنچه بیان شد این باشد که در فرآیند تعریف به جنبه‌های مختلف موضوع توجه نشده است، و تنها به برخی از آن‌ها توجه شده است. تعاریف دیگری از فقر هم وجود دارد که شامل عناصر کمیت ناپذیر نیز می‌شود، مانند تفاوت در شرایط مسکن، منطقه مسکونی، دارایی مادی، منابع آموزشی، مالی و شغلی. برخی نیز با نگاه از زاویه دیگر و با توجه به پیامدهای کمبود عوامل اقتصادی، فقر را وضعیتی دانسته‌اند که در آن افراد فقیر به دلیل رفتار تحقیرآمیز افراد توانمند، از جایگاه انسانی خود در جامعه رانده شده‌اند و بیرون از گروه بندی‌های مورد پذیرش جامعه، زندگی می‌کنند. غیر از تعاریفی که تا کنون از جانب مکاتب و اندیشمندان پیرامون مفهوم فقر بیان شده، شاخص‌هایی نیز برای محاسبه میزان فقر تعیین شده؛ چرا که تا معیاری برای محاسبه میزان فقر نباشد ما قادر به اندازه‌گیری فقر افراد و جوامع نبوده و نمی‌توانیم اثرات سیاست‌ها و راه‌کارها را بر میزان فقر متوجه شد. در زیر به برخی از این شاخص‌ها اشاره می‌شود: خط فقر، حد فاصل گروه‌های جامعه به لحاظ برخورداری با عدم برخورداری از حداقل نیازهای اساسی است. در حال حاضر، شاخص بین‌المللی خط فقر، سرانه ۱/۲۵ دلار در روز تعیین شده است و طبق آمار

اعلام شده توسط بانک جهانی درصد افراد زیر خط فقر در سال ۲۰۱۰ در مناطق مختلف جهان بدین شرح است: شکاف فقر، شاخصی برای اندازه گیری شدت یا عمق فقر است و به لحاظ مفهومی مترادف با «انحراف در آمد فقیر از خط فقر» تلقی می شود. عمومی ترین شاخص در این زمینه تعیین نیازهای غذایی بر حسب کالری مورد نیاز فرد در روز است. البته، انرژی مورد نیاز افراد بر حسب سن و جنس تفاوت دارد و با توجه به تفاوت در فرهنگ غذایی و نیز قیمت مواد خوراکی لازم برای تأمین انرژی در مناطق مختلف، برخی کشورها سبد غذایی مناسب برای هر منطقه را تعریف کرده اند و بر این اساس خط فقرهای متفاوتی را مد نظر قرار می دهند. لازم به ذکر است که این میزان کالری با توجه به نظر متخصصین تغذیه برآورد می گردد. در ایران در پژوهش های انجام شده توسط محققین داخلی دو سطح ۲۳۰۰ کالری و ۲۱۷۹ کالری به عنوان سطح آستان های کالری روزانه مورد نیاز افراد تعریف می شود. (نوروزی، ۱۳۹۲) تعداد شاخص ها و مدل های ریاضی اندازه گیری فقر بیش از این ها است که ما به همین مقدار اکتفا می کنیم.

بخش اول: مفهوم فقر در قرآن کریم

چون فقیران در شمار اصنافی که زکات به آن ها تعلق می گیرد، جای دارند، مفسران مسأله فقر را از نظر مفهوم و حدود آن مورد توجه قرار داده اند و در مقام بیان تفاوت فقیر و مسکین در آیه ۶۰ سوره توبه به بحث پرداخته اند: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه: ۶۰) «صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع آوری آن و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه ای است از جانب خدا. و خدا دانا و حکیم

است». در مورد مفهوم فقیر و مسکین و تفاوت آن‌ها نظریه‌های متفاوتی از سوی فقها و مفسران برخورد می‌کنیم. از نظر بعضی فقیر و مسکین دارای معنی واحد بوده (حلی، ۱۴۰۸ق) و این دو از الفاظ مترادف می‌باشند که در این آیه هر دو به جهت تأکید در یک معنی به کار رفته‌اند. (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق) برخی از فقها و مفسران مطرح نموده‌اند که فقیر از مسکین بدحال‌تر است، یعنی فقیر محتاجی است که نه مال دارد و نه کسی، ولی مسکین کسی است که کسی یا مالی دارد، لیکن برای او کافی نیست. (طوسی، ۱۳۸۷) عده‌ای بر این اعتقادند که مسکین، نیازمندی است که برای رفع نیازهای خویش از دیگران تقاضای کمک کرده به تکدی دست می‌زند اما فقیر، شخص ناداری است که عفت نگاه داشته، از دیگران خواهشی ندارد. (طبرسی، ۱۳۷۲) نظر دیگر این است که مسکین نیازمندی است که از سلامت جسمی برخوردار بوده، در حالی که فقیر نیازمندی است که زمین گیر بوده و از معلولیت‌های جسمی رنج می‌برد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق). سه نظر اخیر ناظر بر بدحال‌تر بودن فقیر از مسکین بود. ولی دیدگاهی وجود دارد که عکس دیدگاه‌های قبلی است و بنا به تعریف این دیدگاه، مسکین کسی است که هیچ چیز ندارد ولی فقیر از اشیائی برخوردار است. بنابراین مسکین بدحال‌تر است (طوسی، ۱۴۰۰ق). در یک تحلیل نهایی باید توجه نمود که بحث در مورد این که کدام گروه بد حال‌تر هستند بدون فایده است. چون هر دو گروه به دلیل عدم غنی مشمول اخذ زکات می‌شوند (حلی، ۱۴۰۷ق). بنابراین مراد اصلی این است که فقیر و مسکین در یک امر عدمی شریک‌اند و آن این که مؤونه سال خود و عیال واجب‌النفقه خود را ندارند و فرق میان ایشان به اعتبار قلت و کثرت احتیاج است (فاضل مقداد، ۱۴۱۹ق) بنابراین صرف نظر از این که فقیر بر وضعیت دشوارتری دلالت می‌کند یا مسکین، می‌توان قبل از رسیدن به حد غنی و کفایت (برابری درآمد با هزینه‌های متعارف زندگی) بحث را به دو مرحله تقسیم کرد. مرحله نخست، فرد نیازمندی است که

هیچ درآمدی نداشته و در تأمین نیازهای اولیه خویش مانند خوراک، پوشاک، عاجز و درمانده شده، به همین دلیل ممکن است برای سیر کردن خود و خانواده‌اش از دیگران تقاضای کمک کند، خواه این مرحله را فقر بنامیم خواه مسکنت. دومین مرحله به فردی اشاره می‌کند که دارای درآمد است، اما درآمدهای وی، هزینه‌های متعارف زندگی او و افراد تحت تکفلش را پوشش نمی‌دهد، به عبارتی درآمدش کمتر از حد غنی و کفایت است.

بخش دوم: مفهوم فقر در نظر فقها

فقیهان نیز مسأله‌ی فقر را از نظر مفهوم و حدود آن مورد توجه قرار داده‌اند. در نظر آنان، ضابطه‌ی فقر به عنوان شرط استحقاق زکات، کافی نبودن درآمد برای گذران زندگی فرد و افراد تحت سرپرستی وی شمرده می‌شود. با توجه به این ملاک، درمی‌یابیم که فقر مورد توجه آن‌ها، فقر نسبی است؛ شیخ صدوق در کتاب «علل الشرایع» می‌نویسد: به کسی که هفتصد درهم دارد و مالک آن می‌باشد دادن زکات حلال است به شرطی که شغل و حرفه‌ای نداشته باشد، این شخص زکات هفتصد درهم را اخراج کرده و با مقداری از آن قوت و روزی عیالات خود را تهیه نموده و بقیه آن را به مستحقین می‌دهد و بدین ترتیب آنچه دارد را صرف کرده و تهیدست می‌شود لذا از زکات می‌توان به وی کمک نمود. ولی کسی که پنجاه درهم دارد و صاحب حرفه‌ای است که به واسطه آن قوت عیالات خود را تهیه می‌کند مستحق زکات نیست و نمی‌توان به وی زکات داد زیرا بعد از صرف موجودی خود دوباره به واسطه داشتن حرفه و کسب مال تحصیل می‌نماید و بدین وسیله غنی می‌گردد و در نتیجه از مال زکات نمی‌توان به وی مساعدت نمود. (ابن بابویه، ۱۳۸۰) تتبع در کلام فقها و نیز روایاتی که مستند فتوای آن بزرگان است، بیانگر آن است که مراد از گذران زندگی تنها اکتفا به کم‌ترین حد

معیشت، که در اقتصاد ملاک فقر مطلق شمرده می‌شود، نیست؛ بلکه بدان معنا است که فقیر چنان یاری شود تا به سطح زندگی درخور شأن خود دست یابد. آنچه از کلام فقیهان درباره‌ی حد فقر و ملاک پرداخت زکات، می‌توان استفاده کرد، چنین است: ۱. کسانی که به رغم داشتن سرمایه‌ی کسب یا اشتغال از درآمد کافی برای مخارج زندگی، در حد متعارف به اندازه شأن خود بی‌بهره‌اند، فقیرند. ۲. آنان که قدرت تأمین هزینه‌های روزمره دارند، اما از تهیه‌ی مسکن، لوازم خانه، مخارج ازدواج و مانند آن ناتوان‌اند، می‌توانند به قدر نیاز از زکات بهره گیرند. ۳. کسانی که به سبب ناتوانی جسمی قدرت کار و کسب درآمد ندارند، فقیر شمرده می‌شوند. ۴. آنان که با داشتن مهارت، به سبب نداشتن ابزار کار و سرمایه، کار مناسب ندارند و نیز کسانی که به سبب پرداختن به دانش نمی‌توانند درآمد به دست آورند، می‌توانند از زکات استفاده کنند. البته گروهی می‌گویند دانشجو وقتی می‌تواند از زکاتی که سهم فقیران است، بهره گیرد که دانش اندوزی بر وی واجب عینی یا کفایی باشد. در غیر این صورت، اگر در تحصیل قصد قربت داشته باشد، می‌تواند از سهم سیل الله، که یکی دیگر از موارد مصرف زکات است، استفاده کند. ۵. از سوی دیگر، افرادی که توان کار و کسب درآمد دارند، اما به سبب تنبلی و سستی کار نمی‌کنند، از نظر فقیهان، فقیر شمرده نمی‌شوند و پرداخت زکات به آن‌ها جایز نیست.

بخش سوم: انواع فقر در مکاتب اقتصادی

در مکاتب اقتصادی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای فقر ارائه شده که در هر تقسیم‌بندی، ملاک و معیاری خاص مبنای تقسیم‌بندی قرار گرفته است که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم: فقر مطلق و فقر نسبی: محققان در برخورد با مقوله فقر، معمولاً بین دو مفهوم فقر مطلق و فقر نسبی تفاوت قائل می‌شوند. فقر مطلق که فقر معیشتی یا فقر ابتدایی نیز نامیده می‌شود به

محرومیت و ناتوانی افراد در دستیابی به حداقل نیازهای اساسی زندگی مانند تغذیه و پوشاک و سرپناه که برای زندگی سالم ضروری است، اشاره دارد. این مفهوم فقر، به عدم دسترسی به حداقل استاندارد تعیین شده نیازهای فیزیولوژیکی که برای بقای مادی انسان ضروری است، دلالت دارد. (برنامه و بودجه، ۱۳۸۰) در تبیین این مفهوم فقر به وضعیتی اشاره شده است که در آن درآمد افراد پاسخگوی نیازهای اساسی زندگی آنها نیست. هرچند برخی فقر مطلق را فراتر از کمبود درآمد و شامل سوء تغذیه، کمبود بهداشت و نبود آموزش نیز می‌دانند. (آبرکابی، ۲۰۰۲ م) درباره میزان کمی حداقل درآمد لازم برای خارج شدن از این نوع فقر در شرایط اقتصاد کنونی جهان بررسی‌هایی انجام شده است، و نتیجه آنها این است که بانک جهانی درآمد سالانه پنجاه دلار را خط فقر تلقی می‌کند. (دفتر تبلیغات خراسان، ۱۳۸۰) فقر نسبی یا ثانوی به مواردی اطلاق می‌شود که در آن اگر افراد بخشی از درآمد خود را صرف مخارج غیر ضروری (یا ضروری در حد غیر لازم) نکنند برایشان کافی خواهد بود. برخلاف فقر مطلق که به مفهوم فقدان دارایی برای رفع نیازهای اساسی است، در فقر نسبی، افراد کم درآمد به سنجش وضعیت زندگی خود با سایر افراد می‌پردازند، و اگر از یک حداقل زندگی برخوردار باشند در این صورت فقر از نوع نسبی است. (دفتر تبلیغات خراسان، ۱۳۸۰) تفکیک بین فقر مطلق و فقر نسبی سهل و آسان نیست. زیرا، برای تشخیص آنها معیار مشخصی در دست نیست و از سویی ممکن است هر دو به صورت همراه و ملازم یکدیگر باشند. حتی برخی از محققان این تفاوت را نمی‌پذیرند؛ برای مثال، تانسد معتقد است نیازهایی که اساسی یا مطلق نامیده می‌شوند، ممکن است به صورت نسبی نشان داده شوند و استدلال می‌کند که فقر باید به عنوان یک شکل کلی از محرومیت نسبی که در اثر توزیع نامناسب منابع حاصل می‌شود مورد توجه قرار گیرد. او معتقد است که آن بخش از افراد که درآمدها از میانگین جامعه بسیار کمتر است، در صورتی که از منافع و شرکت در فعالیت‌های مرسوم جامعه محروم

باشند، فقیر تلقی می شوند. (تانسند، ۱۹۷۹ م) باید افزود که برخی محققان در کنار فقر نسبی و مطلق از نوع سوم فقر یعنی فقر ذهنی نیز در طبقه بندی خود یاد می کنند. مطابق این طبقه بندی که بر مبنای مرجع تشخیص رفع نیاز در افراد، تعیین می شود مفاهیم سه گانه فقر ذهنی، فقر نسبی و فقر مطلق معنا پیدا می کنند. فقر ذهنی، قضاوت فرد در مورد تأمین کافی یا غیر کافی نیازهای او است. یعنی ملاک فقر، قضاوت شخصی و ذهنی افراد است. فقر نسبی عبارت است از سنجش میزان تأمین نیازهای فرد در رابطه با دیگر افراد جامعه و فقر مطلق نیز به حداقل سطح زندگی می پردازد و اصولاً هنگامی که ضوابطی مشخص برای سطوحی از تأمین نیازها که کافی هستند، تعیین شود قابل ارزیابی است و چنانچه تأمین نیاز آنها بیش از حد باشد، آنها فقیر نیستند و چنانچه کمتر از این میزان باشد، فقیرند. (برنامه و بودجه، ۱۳۷۵) بنابراین با توجه به این تقسیم بندی ها به طور کلی، شناسایی دقیق فقر و نوع آن، مشکلاتی به همراه دارد که در اینجا به طور اختصار به برخی از آنها اشاره می کنیم افراد چه هنگام و بر اساس چه معیارهایی خود را فقیر می دانند؟ در برخی از جوامع و یا مناطق ممکن است افرادی که صاحب اتومبیل نیستند، فقیر محسوب شوند در حالی که در جامعه و منطقه دیگر آنها را صاحب مکتب بدانند. برخی از مردم خود را فقیر می دانند، در حالی که بر اساس معیارهای کلی فقیر نیستند. در چه دوره زمانی باید فقر را تعریف کرد؟ خانواده ای ممکن است در یک دوره از زمان فقیر باشد (برای مثال، یک سال) در حالی که در سال های دیگر فقیر تلقی نشود. یا این که ممکن است در یک دوره مورد مطالعه معیارهای سطح زندگی تغییر کند. کدام زمان را باید ملاک بررسی قرار داد؟ واحد بررسی فقر را باید فرد یا جامعه یا خانوار در نظر گرفت؟ ممکن است دو خانوار که از نظر خط فقر و معیار سنجش فقر در یک سطح قرار دارند، دارای توزیع درونی متفاوت باشند. به عبارت دیگر، ممکن است یک خانوار در کل، بالای خط فقر باشد، در حالی که فرد یا افرادی در درون این خانوار زیر خط فقر باشند. همین مطلب در مورد جامعه نیز

صدق می‌کند. دارایی و ثروت چه نقشی در تعیین فقر دارند؟ آیا درآمد کنونی، مورد نظر است یا درآمد دائمی ملاک تعیین خط فقر است؟ برای مثال، فردی که ملک شخصی دارد اما درآمد جاری‌اش به میزانی نیست که سطح زندگی او را بالاتر از خط فقر قرار دهد، چه حکمی دارد؟ ملاک درآمد است یا هزینه؟ دلایلی وجود دارد که استفاده از درآمد بجای هزینه منجر به نتایج متفاوتی می‌شود. برای مثال امکان دارد افرادی از نظر سطح درآمد زیر خط فقر قرار داشته باشند اما از طریق قرض یا فروش برخی از دارایی‌ها، سطح رفاه خود را بالاتر از خط فقر قرار دهند. چنان‌که ممکن است گروهی که سطح درآمد خط فقر را دارند، به دلایلی مانند عادات اجتماعی، دانش ناکافی یا ناقص بودن بازار، قادر به تأمین نیازهای خود در سطح مناسب و بالای فقر نباشند. فقر دائمی و فقر موقتی: از نظر مدت زمان فقر، فقرا به فقرای موقتی و دائمی تقسیم بندی می‌شوند. برخی از گروه‌های فقیر از ابتدای زندگی فقیر متولد شده‌اند و در طول حیات خود با فقر زندگی کرده‌اند و هیچ‌گونه تحول و تحرک عمودی و یا افقی از نظر اجتماعی و اقتصادی در وضعیت آنان پدیدار نمی‌شود، به طوری که ممکن است آنان وارث فقر از نسل قبل و انتقال دهنده آن به نسل بعدی باشند. اما فقر موقتی، در شرایط ویژه در بی شرایط نامساعد اقلیمی و یا آفات طبیعی و پیش‌بینی نشده مانند زلزله، سیل، خشک‌سالی و یا حوادث اجتماعی و اقتصادی مانند جنگ و بحران و محاصره اقتصادی، ورشکستگی، آتش سوزی و غیره، رخ می‌دهد و به سرعت جبران می‌شود، و معمولاً آثار آن در صورت تلاش و کوشش قابل انتقال به نسل‌های بعدی نیست. (برنامه و بودجه، ۱۳۷۵) فقر موردی و فقر فراگیر: فقر موردی یا فردی، فقری است که در برخی از جوامع گریبان‌گیر عده‌قلیلی از افراد می‌شود. در حالی که سایر افراد جامعه با آن بیگانه‌اند. ریشه این فقر را بایستی در خصوصیات درونی این قبیل خانواده‌ها و افراد جستجو کرد و می‌بایست بررسی شود که کدام‌یک از ویژگی‌های اخلاقی، موروثی، اعتقادی، نژادی، اجتماعی، محیطی و آموزشی موجب می‌شوند تا برخی

افراد، از بهره‌مندی از رفاه و تأمین اجتماعی لازم ناتوان می‌گردند. اما فقر فراگیر فقری است که همه افراد یک جامعه به جز تعداد معدودی دچار آن می‌شوند و به این معنا است که توانمندی و ثروت عمومی جامعه به میزانی نیست که همه افراد جامعه بتوانند از یک سطح مطلوب و نسبتاً رضایت بخش رفاه استفاده کنند و در این مورد هم قطعاً و یقیناً فرهنگ عمومی جامعه یعنی مجموعه باورها و اعتقادات آن‌ها به گونه‌ای است که مانع تلاش و کوشش و بهره‌مندی آن از نعمات دنیوی می‌شود. (شیخاوندی، ۱۳۷۹) برخی در این مورد این طور استدلال می‌کنند که فقر عمومی مردم به دلیل فقدان منابع طبیعی و ذخایر زیرزمینی است و یا بالعکس، هر کشوری که منابع سرشاری دارد از رفاه و ثروت فراوانی برخوردار است. البته این موضوع، مثال‌های نقض بسیاری دارد مانند کشورهای شرق آسیا یا اروپا و کشورهای آفریقایی و آمریکای مرکزی که نمی‌توان علت قطعی فقر و رفاه این جوامع را ثروت‌ها و منابع خدادادی آن‌ها دانست بلکه عوامل انسانی نیز بسیار مؤثر است. علاوه بر این، استدلال دیگری نیز برای فقر عمومی یک کشور مطرح می‌شود و آن مستعمره شدن کشور توسط کشورهای قدرتمند دیگر است که ذخایر و ثروت آن‌ها را طی قراردادهای قانونی به یغما می‌برند و آن‌ها را روز به روز فقیرتر و ناتوان‌تر می‌نمایند. این موضوع در یک واحد ملی نیز می‌تواند به صورت استثمار به وقوع بپیوندد و حقوق و دستمزد تحصیلی افراد، توسط مالکین و سرمایه داران و دلالت از چنگشان خارج گردد. (برنامه و بودجه، ۱۳۷۵) فقر مادی و فقر معنوی (فرهنگی): فقر مادی عبارت است از ناتوانی در تأمین معاش و کسب روزی برای گذران زندگی روزمره به دلایلی که در ادامه خواهد آمد. در حالی که فقر معنوی که مهم‌تر و اساسی‌تر از فقر مادی است. همان ناتوانی‌های فکری و روحی است که به عبارتی به عنوان فقر فرهنگی تلقی می‌شود (برنامه و بودجه، ۱۳۷۵) به بیان دیگر، فقر فرهنگی را می‌توان فقدان آگاهی‌های لازم دانست که تعصب‌ها، خودپسندی‌ها، لجاجت‌ورزی، انکار علم و پیشرفت‌های علمی، خودداری از دانش

پژوهی و پایبندی به سنت‌ها و روش‌های نابخردانه نیاکان از آن ناشی می‌شود و شدیدترین نوع فقر به شمار می‌رود، و ریشه‌ای‌ترین عامل عقب‌ماندگی و مانع بسیاری از فرآیندهای توسعه و رشد است. مبارزه‌ی با فقر فرهنگی به زمان نیاز دارد و محنت و تلاش طاقت فرسایی را می‌طلبد. (دفتر تبلیغات خراسان، ۱۳۸۰)

نتیجه‌گیری

در این فصل ماهیت پدیده فقر را از دیدگاه اقتصاد اسلامی و سایر مکاتب اقتصادی شناسایی کرده و انواع آن از دیدگاه طرفین بیان کردیم. تقسیم فقر به فقر مطلق و نسبی، فقر دائمی و موقتی، فقر موردی و فراگیر و فقر مادی و معنوی تقسیم‌بندی‌های مختلفی از انواع فقر بود که در مکاتب اقتصادی ارائه شده است. در معارف اسلامی نیز شق‌های گوناگونی از فقر بیان شده که عبارت‌اند از: فقر ذاتی، فقر واقعی و حقیقی، فقر دینی، فقر فرهنگی، فقر روحی و ذهنی، فقر انتخابی و فقر اقتصادی. سپس برخی از روایات متناقض در مذمت و مدح فقر را ذکر کرده و موضع نهایی اسلام نسبت به فقر را بیان کردیم. در فصل بعد گذری بر دریای روایات گهربار امیرالمؤمنین (ع) کرده و به بررسی علل و پیامدهای فقر از دیدگاه آن بزرگوار می‌پردازیم. مطالعه علل و پیامدهای فقر به ما کمک می‌کند تا شناخت دقیق‌تری نسبت به فقر پیدا کنیم و در استخراج راه کارهای حضرت (ع) در مبارزه با فقر موفق‌تر عمل کنیم.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. آربلاستر، آنتونی، ظهور و سقوط لیبرالیسم، تهران، مرکز پژوهش اسلامی، ۱۹۸۸ م
۲. ابوافتحی قمی، ابوالفضل، درآمدی بر شناخت شاخصهای نابرابری درآمد و فقر، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱
۳. ازکیا، مصطفی، مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۶۴
۴. استادی، رضا، مؤونه در خمس، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۸۵
۵. اصغری، جعفر، پدیده شناسی فقر و توسعه، چاپ اول، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱
۶. بابا زاده، علی اکبر، سیمای حکومتی امام علی (ع)، چاپ دوم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۹
۷. بانک جهانی، گزارش توسعه انسانی (سازمان ملل متحد) سال ۲۰۰۳، اهداف توسعه هزاره: پیمانی میان ملت ها برای پایان دادن به فقر (ترجمه فرشاد مؤمنی، محمدرضا واعظ مهدوی، حسین غفرانی، امیر عباس فتاح زاده، یاسر مالی)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۲
۸. بانک جهانی، گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱-۲۰۰۰ مبارزه با فقر، ترجمه سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و دیگران، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱

۹. بنائیان، حسین، چارچوب نظری شیوه های فقرزدایی در ایران اسلامی، تهران، موسسه اسلامی، ۱۳۷۵
۱۰. بندریگی محمد، فرهنگ جدید عربی - فارسی (مترجم منجد الطلاب)، تهران، اسلامی، بی تا
۱۱. بیات، بیت الله، فقر ستیزی، چاپ اول، قم، انتشارات شکوری، ۱۳۷۳
۱۲. پژیوان، جمشید، فقر، خط فقر و کاهش فقر، مجله برنامه و بودجه، شماره دو، ۱۳۷۵
۱۳. پیراسته، حسین و همایون رنجبر، بررسی خط فقر و تأثیر برخی سنجه های اقتصاد کلان بر مؤلفه های فقر در ایران (۱۳۵۸-۷۵)، مجله پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۱
۱۴. تفضلی، فریدون، تاریخ عقاید اقتصادی، چاپ ششم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳
۱۵. تقوی، مهدی، مقدمه ای بر تحلیل های اقتصاد خرد، تهران، انتشارات پایپروس، ۱۳۶۸
۱۶. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ ششم، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۳۷۷
۱۷. جک راج، جامعه شناسی فقر، ترجمه احمد کریمی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۴
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، اصول کلی اقتصاد اسلامی و راهکارهای آن از منظر فقه، مجله پژوهش های فقهی، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاه، چاپ هفتاد و یکم، قم، اسراء، ۱۳۹۰
۲۰. حسینی، سید رضا، سیره اقتصادی امام علی (ع)، چاپ پنجم، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۲
۲۱. حسینی، سید هادی، موضوع شناسی فقر (با رویکرد اسلامی)، پدیده شناسی فقر و توسعه، جلد اول، چاپ اول، دفتر تبلیغات خراسان، ۱۳۸۰

۲۲. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاء، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰
۲۳. خاکی، غلامرضا، روش تحقیق، تهران، انتشارات دانشگاهی، ۱۳۸۶
۲۴. خالدی، کوهسار و سعید یزدانی، مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل موثر بر آن با تأکید بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی، مجله پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۸۷
۲۵. خالدی، کوهسار، بررسی اقتصادی فقر روستایی و عوامل موثر بر آن در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۹
۲۶. خالدی، کوهسار و زورار پرمه، بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران ۱۳۷۵-۸۲، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴
۲۷. خداداد کاشی، فرهاد و همکاران، برآورد خط فقر در ایران طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۷۹، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، ۱۳۸۴
۲۸. خداداد کاشی، فرهاد، اندازه گیری فقر در ایران بر حسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص "سن" در ایران، مجله پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۸، پاییز ۱۳۷۷
۲۹. خداداد کاشی فرهاد و همکاران، اندازه گیری شاخص‌های فقر در ایران، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پاییز ۱۳۸۱
۳۰. خسروی حسینی سید غلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، انتشارات مرتضوی، تهران، دوم، ۱۳۷۵ ش
۳۱. دادگر، یدالله، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۷۸

۳۲. دایانا هانت، نظریه های اقتصاد توسعه، تحلیلی از الگوهای رقیب، ترجمه غلامرضا آزاد، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۷۶
۳۳. دشتی، محمد، امام علی (ع) و اقتصاد اسلامی، چاپ اول، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۳۰
۳۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبنای اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱
۳۵. راسخ، علی احمد، موضوع شناسی فقر و توسعه، پدیده شناسی فقر و توسعه، جلد اول، چاپ اول، دفتر تبلیغات خراسان، ۱۳۸۰
۳۶. راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی، فقر در ایران طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۳، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۸۶
۳۷. راولیون، مارتین، مقایسه فقر، ترجمه حمید رضا اشرف زاده، چاپ اول، تهران، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۶
۳۸. زاهدی، محمد جواد، توسعه و نابرابری، چاپ سوم، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۲
۳۹. زریباف و همکاران، طرح الگوی جامع نهضت ملی مبارزه با فقر، تهران، معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۸
۴۰. سروش، محمد، فقه و تعیین خط فقر، مجموعه مقالات گروههای بررسی مساله فقر و فقر زدایی، جلد اول، چاپ دوم، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵
۴۱. سن، آمارتیا. توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
۴۲. شیخوندی، داور، جامعه شناسی انحرافات، چاپ سوم، گناباد، انتشارات نشر مرنندیز، ۱۳۷۳

۴۳. شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، چاپ دوم، قم، انتشارات مدرسه امام

علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ هـ ق

۴۴. صانع پور، مریم، نقدی بر معرفت شناسی اومانیستی، انتشارات کانون اندیشه نسل

جوان، ۱۳۷۸

۴۵. صدر، محمد باقر، ترجمه اسپهبدی، بررسی هائی درباره مکتب اقتصادی اسلام، چاپ

دوم، تهران، ۱۳۵۷

۴۶. طباطبائی، سید محمود، مفهوم فقر از دیدگاه دین و دانش نوین و پیامدها و شیوه های

رویارویی با آن، نشریه مطالعات اسلامی (الهیات و معارف اسلامی)، پاییز و زمستان

۱۳۷۹

۴۷. عرب مازار، عباس و سید مرتضی حسینی نژاد، برآورد میزان فقر و شدت آن در

گروه های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه،

سال دوازدهم، شماره ۴۵، بهار ۱۳۸۳

۴۸. عسکری، محمد مهدی؛ غفورزاده، حسین، "بررسی فقر از منظر قرآن و روایات ائمه

اطهار (ع)"، فصل نامه مطالعات قرآن و حدیث، دوره سوم، ش ۵، ۱۳۸۸

۴۹. عظیمی، حسین، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

۱۳۷۸

۵۰. علیدوست، ابوالقاسم، نظرات کارشناسانه فقیه در موضوعات احکام، مجله فقه و

حقوق، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳

۵۱. علی مددی، محمد صادق، اندازه گیری شاخص های چند بعدی فقر در ایران سالهای

۸۳ و ۸۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف،

سال ۱۳۸۷

۵۲. غروی نخجوانی، سید احمد روند فقر و علل آن در ایران / فقر در خانوارهای ایرانی (با نگاهی به نتایج طرح هزینه درآمد خانوار در ایران)، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۴
۵۳. غفور زاده، حسین، تحلیل مقایسه ای مؤلفه های الگوی اندازه گیری خط فقر بر مبنای شریعت اسلام و اقتصاد متعارف، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱
۵۴. فراهانی فرد، سعید، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸
۵۵. فرزند وی، جمال، تحقیقی پیرامون فقر اقتصادی از دیدگاه اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، دی ۱۳۷۰
۵۶. کازرونی، علیرضا، تحلیلی بر اندازه و منشأ فقر و سیاستهای فقرزدایی در ایران، مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، جلد دوم، سازمان برنامه و بودجه، اردیبهشت ۱۳۷۵
۵۷. کن کتز، ریچارد سیلورن، بررسی فقر در انگلستان، بامداد، ۱۳۵۴
۵۸. کنت گالبرایت، جان، ماهیت فقر عمومی، تهران، موسسه مطالعات اقتصادی، ۱۹۸۰ م
۵۹. کیت گریفین، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۷۵.
۶۰. گالبرایت، جان کنت، ترجمه دکتر سید محمد حسین عادل، ماهیت فقر عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱
۶۱. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، جامع المسائل (فارسی - فاضل)، یازدهم، قم، انتشارات امیر قلم، بی تا

۶۲. ماهر، فرهاد، روانشناسی اجتماعی کاربردی، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۲
۶۳. مجموعه مقالات گروه های بررسی مساله فقر و فقر زدایی، جلد اول، چاپ دوم، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵
۶۴. محسن زاده، صالح، اسلام راستین: نابودی فقر، قم، کانون نشر فرهنگ قرآن، ۱۳۶۱
۶۵. محقق داماد، سید مصطفی و مریم اسلامی، بررسی اجمالی حجر و ورشکستگی در فقه و حقوق اسلامی، نامه الهیات، سال چهارم، شماره دهم، بهار ۱۳۸۹
۶۶. محمدی، شاکر و همکاران، اندازه گیری حداقل معاش با استفاده از سیستم مخارج خطی: مورد استان ایلام در طی دو برنامه، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۶
۶۷. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه امیرالمؤمنین (ع)، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۲
۶۸. محمودی، اصغر، علل فرهنگی فقر بررسی پدیده فقر و توسعه، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۶۰
۶۹. محمودی، وحید و سید قاسم صمیمی فر، مفهوم و روش های سنجش و اندازه گیری فقر و نابرابری/ فقر قابلیت، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۷، تابستان ۸۴
۷۰. مشکوة، سید حمید، نفقه زن، مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۸۳
۷۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴
۷۲. معین، دکتر محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر، جلد دوم، تهران، ۱۳۶۰
۷۳. موسائی، میثم، مبانی و جهت گیری کلی اقتصادی در نهج البلاغه، چاپ اول، تهران، انتشارات پایگان، ۱۳۸۰

۷۴. مهریار، امیر هوشنگ، فقر: تعریف و اندازه گیری، مجله برنامه و توسعه، شماره ۸،

تابستان ۱۳۷۳

۷۵. میرشجاعی، فخری، بررسی وضعیت فقر در جهان، فصلنامه علمی تخصصی بانک

مرکزی، مجله روند، سال نوزدهم، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۰

۷۶. میسمی، حسین، فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه های سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام،

تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۶

۷۷. نجفی، بهاء الدین و آشان شوشتریان، برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین کننده

های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال

پانزدهم، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۸۶

۷۸. نمازی، حسین؛ نظام های اقتصادی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴

۷۹. یوسفی، محمدرضا، فقرزدایی از منظر فقهاء، مجله نامه مفید، شماره ۱۷، بهار ۱۳۸۷

۸۰. یوسفی، محمدرضا، مقایسه مفاهیم فقر و مسکنت با دو مفهوم فقر مطلق و نسبی، نامه

مفید، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۷۷

۸۱. یوسفی، احمد علی، نظام اقتصاد علوی، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه

فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶

ب) منابع عربی

۱. امام علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، قم، انتشارات دار الهجره، بی تا

۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی قم، ۱۳۶۶

۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۶۶
۴. ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن (ابن العربی)، بی جا، بی تا
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تهران، انتشارات فیض کاشانی، ۳۸۱ ق
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البیت، ۳۶۳ ق
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، چاپ اول، قم، علامه، ۵۸۸ ق
۸. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، سوم، بیروت - لبنان، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ هـ ق
۹. احمد بن فارس بن زکریا، ابو الحسین، معجم مقاییس اللغة، اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هـ ق
۱۰. احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی اللثالی العزیزیة، اول، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ هـ ق
۱۱. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ هـ ق
۱۲. اشعث کوفی، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا
۱۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، اول، لبنان - سوریه، دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ ق
۱۴. اصفهانی، سید ابو الحسن، وسیله النجاة (مع حواشی الإمام الخمینی)، اول، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۲ هـ ق
۱۵. العیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر العیاشی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیه، ۱۳۰۸ ق

۱۶. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ هـ ق

۱۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، اول، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ هـ ق

۱۸. بروجردی، آقا حسین طباطبائی، زیادة المقال فی خمس الرسول و الآل، اول، قم، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ هـ ق

۱۹. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ ق

۲۰. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحديث و الأثر، اول، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا

۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح-تاج اللغة و صحاح العربیة، اول، بیروت - لبنان، دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ هـ ق

۲۲. حائری، سید محمد مجاهد طباطبائی، کتاب المناهل، اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بی تا

۲۳. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، چاپ دوم، تهران، مؤسسه امیر کبیر، قرن ۴

۲۴. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الأحکام (جرجانی)، اول، تهران، انتشارات نوید، ۱۴۰۴ ق

۲۵. حکیم، سید محسن طباطبائی، مستمسک العروة الوثقی، اول، قم، مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ هـ ق

۲۶. حلبی، ابن ابی المجد، علی بن حسن، إشارة السبق إلى معرفة الحق، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ هـ ق

۲۷. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ هـ ق
۲۸. حلبی، ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ هـ ق
۲۹. حلّی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ هـ ق
۳۰. حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ هـ ق
۳۱. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ ق
۳۲. حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری، نضد القواعد الفقهیة علی مذهب الإمامیة، اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، ۱۴۰۳ هـ ق
۳۳. حلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، اول، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ هـ ق
۳۴. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیلة، چاپ اول، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا
۳۵. خوانساری، سید احمد بن یوسف، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ هـ ق
۳۶. خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین (للخوئی)، ۲ جلد، نشر مدینة العلم، قم - ایران، ۲۸، ۱۴۱۰ هـ ق

۳۷. خویی، سید ابو القاسم موسوی، موسوعه الإمام الخوئی، اول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره، ۱۴۱۸ هـ ق
۳۸. دیلمی، سلار، حمزه بن عبد العزيز، المراسم العلویة و الأحكام النبویة فی الفقه الإمامی، چاپ اول، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ هـ ق
۳۹. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، إرشاد القلوب، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ هـ ق
۴۰. رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات مشهور، ۴۰۶ ق
۴۱. سبحانی، جعفر، الزکاء فی الشریعة الإسلامیة الغراء، اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ایران، ۱۴۲۴ هـ ق
۴۲. سیستانی، سید علی حسینی، الفتاوی المیسرة، چاپ اول، قم، دفتر حضرت آیه الله سیستانی، ۱۴۱۶ هـ ق
۴۳. شافعی، ابن ادريس محمد، احکام القرآن (شافعی)، بی جا، بی تا
۴۴. شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ هـ ش
۴۵. شیخ صدوق، الأمالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ هـ ش
۴۶. شیخ طوسی، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ هـ ق
۴۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق
۴۸. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش
۴۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش

۵۰. طبری کیا هراسی، ابوالحسن علی بن محمد، احکام القرآن (کیا هراسی)، دوم، بیروت،

دارلکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق

۵۱. طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، المذهب، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ هـ ق

۵۲. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ هـ ق

۵۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد (للشیخ

الطوسی)، اول، تهران، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ هـ ق

۵۴. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، الخلاف، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته

به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ هـ ق

۵۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، سوم، تهران، المکتبه

المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ هـ ق

۵۶. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، دوم، بیروت، دار

الکتاب العربی، ۱۴۰۰ هـ ق

۵۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب

الإسلامیه، ۱۴۰۷ هـ ق

۵۸. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، الوسيله إلى نیل الفضيله، چاپ اول، قم، انتشارات

کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، ۱۴۰۸ هـ ق

۵۹. طیب، سید عبد الحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، دوم، تهران، انتشارات اسلام،

۱۳۷۸ ش

۶۰. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام،

۱۴۰۹ هـ ق

۶۱. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامیة، اول، بیروت - لبنان، دار التراث-الدار الإسلامية، ۱۴۱۰ هـ ق
۶۲. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقية، اول، قم، کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ هـ ق
۶۳. عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ هـ ق
۶۴. عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، چاپ اول، بیروت-لبنان، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۱ هـ ق
۶۵. عبده، شیخ محمد، نهج البلاغه، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ هـ ق
۶۶. عراقی، آقا ضیاء الدین، علی کزازی، شرح تبصرة المتعلمين (للاغا ضیاء)، اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۴ هـ ق
۶۷. فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، اول، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۱۹ ق
۶۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دوم، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰ هـ ق
۶۹. فتال نیشابوری، حسن، روضه الواعظین، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۵۰۸ ق.
۷۰. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، دوم، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق
۷۱. قطب الدین راوندی، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، چاپ دوم، مکتبه آیه... مرعشی، ۱۴۰۵ ق
۷۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، چهارم، قم، دار الکتاب، ۱۳۶۷ ش

۷۳. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ هـ ق
۷۴. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ ق
۷۵. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، مفاتیح الشرائع، اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ره، بی تا
۷۶. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ ق
۷۷. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۶ هـ ق
۷۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت-لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ ق
۷۹. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید ره، ۱۴۱۳ هـ ق
۸۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، اول، تهران، کتابفروشی مرتضوی، بی تا
۸۱. میلانی، سید محمد هادی حسینی، محاضرات فی فقه الإمامیه- کتاب الزکاة، اول، مشهد، مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۵ هـ ق
۸۲. نجف آبادی، حسینعلی منتظری، کتاب الزکاة (للمنتظری)، دوم، قم، مرکز جهانی مطالعات اسلامی، ۱۴۰۹ هـ ق

- ٨٣ نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، هفتم، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی، ١٤٠٤ هـ ق
- ٨٤ نجفی، کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحديثه)، اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٤٢٢ هـ ق
- ٨٥ نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤١٥ هـ ق
- ٨٦ نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، اول، بیروت - لبنان، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ١٤٠٨ هـ ق
- ٨٧ واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، اول، بیروت - لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ١٤١٤ هـ ق
- ٨٨ ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، انتشارات مکتبه الفقیه قم، بی تا
- ٨٩ همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، اول، قم، مؤسسه الجعفریة لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤١٦ هـ ق
- ٩٠ یزدی، سید محمد کاظم طباطبائی، العروة الوثقی (للسید الیزدی)، دوم، بیروت - لبنان، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٩ هـ ق

(ج) منابع انگلیسی

١. Akoum, Ibrahim "Globalization, growth, and poverty: the missing link", *International Journal of Social Economics*, Vol. ٣٥, ٢٠٠٨
٢. Atkinson, Anthony.B, *Poverty and Social Security*, New York, Harvester Wheatsheaf, ١٩٨٩

۳. Balisican, Arsenio, "Poverty alleviation strategies", *International Journal of Social Economics*, University of the Philippines, ۱۹۹۱
۱. Boltvinik, Julio, *Poverty Measurement Method, an Overview*, ۱۹۹۹
۲. (available at: www.undp.org/publication)
۳. Bollen, K.A, *Latent Variables in Psychology and the Social Sciences*, *Annual Review of Psychology*, ۲۰۰۲, Pp۶۰۵-۶۳۴
۴. Dalaker, Joseph, and Mary Naifeh, *Poverty in the United States: ۱۹۹۷*. U.S. Bureau of the Census, *Current Population Reports*, Series P۶۰-۲۰۱, U.S.
۵. Dogarawa, Ahmad Bello, *Poverty Alleviation through Zakah and Waqf Institutions*, Nigeria, Ahmadu Bello University, ۲۰۰۹
۶. Drez, J. and Sen, A, *Hangar and Public Action*, Oxford ,Clarendon , Press, ۱۹۸۹
۷. Duclos, J.Y. and A. Araar, *Poverty and equity measurement, policy and estimation with DAD*, De'partment D'' Economique, Universte' Laval, Quebec, Canada, ۲۰۰۵
۸. Government Printing Office, Washington, DC, ۱۹۹۸
۹. Foster, James; Gree, J. & Thorbecke, Erik, *A Class of Decomposable Poverty Measuer*, *Econometrica*, ۱۹۸۴
۱۰. Foday Lamin, John M, *Poverty Monitoring in Africa*, *Economic and Social Policy Analysis Division*, UN Economic Commission for Africa, ۱۹۹۶
۱۱. Haralambos, Michel. With R. M. Heald , *Sociology: Themes and Perspectives*. Delhi: Oxford University Press, ۱۹۹۱
۱۲. Hasibuan , Sayuti , *Poverty Alleviation, The Islamic Way*, Indonesia: Muhammadiyah University, ۲۰۱۰
۱۳. Houghton. J & Khandker. S, *Handbook on Poverty and Inequality*, Washington, The World Bank, ۲۰۰۹

۱۴. Iqbal, Munawar, *Distributive Justice and Need Fulfilment in an Islamic Economy*, International institute of Islamic Economics, Islamabad and The Islamic Foundation, Leicester, U.K, ۱۹۸۶
۱۵. Iqbal, Munawar, *Islamic Economic institutions and the Elimination of poverty*, The Islamic Foundation, Leicester, U.K, ۲۰۰۲
۱۶. Kakwani, Nanak, *Issues in Setting Absolute Poverty Line, Poverty and Social Development Papers*, Asian Development Bank. ۲۰۰۳
۱۷. Larousse ,*dictionnaire USUEI*,ed. Larousse , Paris, ۱۹۸۹
۱۸. Marshall, Gordon, *Dictionary of Sociology*. NewYork: Oxford University Press, ۱۹۹۸
۱۹. Paul streeten, *basic needs; some unsettled questions*, world development, Vol ۱۲, No ۹, ۱۹۸۴
۲۰. Peerzade, Sayed Afzal, *The Definition and Measurement of Poverty: An Integrated Islamic Approach*," *The Pakistan Development Review*, Pakistan Institute of Development Economics, vol. ۳۶(۱), ۱۹۹۷
۲۱. Qizilbash, M. and D. Clark. *The Capability Approach and Fuzzy Poverty Measures: An Application to the South African Context*. Social Indicators Research, ۲۰۰۵
۲۲. Ravallion, Martin, "Poverty Comparisons: A Guide to Concepts and Methods." LSMS, Working Paper No. ۸, World Bank, Washington, DC, ۱۹۹۲
۲۳. Ravallion, Martin & Benu, Bidani, *How Robust is a Poverty Profile?*. Economic Review, ۸, Washington D.C. The World Bank, ۱۹۹۴
۲۴. Ravallion, Martin, *Poverty Line in Theory and Practical*, Working Paper No. ۱۳۳, World Bank, ۱۹۹۸
۲۵. Seddiqi, Muhammad Nejatullah, *The Guarantee of a Minimum Level of Living in an Islamic State*, International institute of

-
- Islamic Economics, Islamabad and The Islamic Foundation, Leicester, U.K, ۱۹۸۶*
۲۶. Sen, Amartya, *Commodities and Capabilities*. Amsterdam: North-Holland, ۱۹۸۷
۲۷. Sen, Amartya, *Inequality Reexamined*, London, Oxford university press, ۱۹۹۲
۲۸. Sen, Amartya K, *Development as Freedom*, Oxford Economic Press, ۲۰۰۱
۲۹. Sen, Amartya K, *Issues in the Measurement of Poverty*, Scandinavian-Journal of Economics, ۱۹۷۹
۳۰. Sirageldin, Ismail, *The elimination of poverty, challenges and Islamic strategies*, Loughborough: Johns Hopkins University, ۲۰۰۰
۳۱. Steven N. Durlauf, Lawrence E. Blume, *The new palgrave dictionary of economics*, ۲۰۰۸
۳۲. Sawhill, Isabel, *Poverty in the United States; Why Is It so Persistent?*, *Journal of Economic Literature*, ۱۹۸۸
۳۳. Tim Callan, & Brian Nolan, *Concepts of Poverty and the Poverty Line*, *Journal of Economic Surveys*, Wiley Blackwell, vol. ۵(۳), ۲۰۰۶
۳۴. Townsend, Peter, *poverty in the united kingdom*, London, penguin, ۱۹۷۹
۳۵. Townsend, Peter, *Asociological Approach to Measurement of Poverty-A Rejoinder to Professor Amartya Sen*, *Oxford Economic Papers*, ۱۹۸۵
۳۶. Udaya Wagle, *Multidimensional Poverty Measurement*, Springer science & Business Media, LLC, ۲۳۳ Spring Street, New York, NY ۱۰۰۱۳, USA, ۲۰۰۸
۳۷. World Bank, *World Development Report ۲۰۰۰/۲۰۰۱: Attacking Poverty*. Washington, DC: World Bank, ۲۰۰۰

۳۸. *World Bank Institute, Poverty Manual*, ۲۰۰۵
۳۹. *Yasin, hafiz, Ppoyerty Elimination in an Islamic Prespective*, islalamabad:International Islamic University, ۱۹۹۹